

برترین نگاه

خدا مراد سلیمان

گذری کوتاه بر نگاه‌های مختلف به زن در طول تاریخ

می‌دانستند و برخی دیگر او را در اوان کودکی زنده به گور می‌کردند و اگر مورد تجاوز و ظلم قرار می‌گرفت حق مراجعه به محاکم و طرح شکایت یا دفاع از خود را نداشت!

ج. زن در جوامع دینی

وضعیت جوامع دینی تحریف شده نیز به همین سان بود. با مطالعه‌ای گذرا در کتاب‌های این ادیان برخی حقایق به راحتی روشن خواهد شد.

تورات فعلی یهود، زن را تلخ‌تر از مرگ معرفی کرده و از کمال و وصول به سعادت، ناامید می‌شمارد. او را آفریده شده از دنده چپ آدم می‌داند. (۲) همچنین زن را مایه ضلالت و گمراهی آدم و رانده شدن آن‌ها از بهشت می‌داند. (۳) همین مسیر به وسیله انجیل فعلی نیز پیموده شده است، آنجا که می‌گوید: «خدا اول آدم را آفرید و بعد حوا را، آدم فریب نخورد بلکه زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار شد. اما به زاییدن رستگار خواهد شد. اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوی ثابت‌قدم بمانند. (۴) «زن از مرد و برای مرد آفریده شده است» پولس رسول در رساله اول قرنتیان را مخاطب قرار داده می‌گوید: «زیرا مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است.» مرد به جهت زن آفریده نشده بلکه زن برای مرد (آفریده شد)؛ «زن باید شوهران خویش را همانند خدا اطاعت کنند.» (۵) «پولس رسول» در رساله اول خود به «تیمونائوس» می‌گوید: «زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر خود مسلط شود بلکه در سکوت بماند.» (۶)

در مجمع روحانیون فرانسه، که چند سال پیش از بعثت رسول مکرّم اسلام ﷺ برگزار شد، روحانیون مسیحی پس از بررسی کامل حال زنان حکم صادر کردند که زن انسان ولی برای خدمت مرد آفریده شده است!

حاصل این‌که، پیش از اسلام در سراسر جهان و در

کسی دیگر عاریه یا قرض یا اجاره دهد. اگر از وی نافرمانی صورت می‌گرفت، حق داشت هرگونه مجازاتی، حتی کشتن، را درباره‌ی وی اجرا کند، بی‌آن‌که کوچک‌ترین مسؤولیتی متوجه او باشد. (۱)

ب. زن در جامعه‌های مترقی سلطنتی

در جوامع متمدن سلطنتی مانند ایران، مصر، هند و چین که جامعه به دلخواه شاهان وقت اداره می‌شد، همچنین در جامعه‌های متمدن مانند روم و یونان، که با حکومت قانون زندگی می‌کردند، گرچه وضعیت زنان بهتر از جامعه‌های دیگر بود و به کلی از مالکیت محروم نمی‌شد، اما در این‌گونه جوامع نیز آزادی کامل نداشت و سرپرست خانه‌ای که در آن زندگی می‌کرد مانند پدر یا برادر بزرگ‌تر یا شوهر بر وی حکومت مطلق داشت؛ یعنی حق داشت وی را به هر که می‌خواهد تزویج کند و یا عاریه و اجاره دهد یا ببخشد و یا می‌توانست به هنگام سرزدن خطا از وی او را کشته یا از خانه بیرون کند.

در بعضی از کشورها زن خویشاوندی طبیعی نداشت و مردها با زن‌های محرم خودشان ازدواج می‌کردند و در بعضی دیگر زن، خویش رسمی و قانونی شمرده نمی‌شد و ارث نمی‌برد. برخی زن را شوم

زن در طول تاریخ، جریان‌های پر نشیب و فراز و عموماً تلخ و دردآلودی را پشت سر گذاشته است. امروزه نیز همچنان نگاه‌های افراط و تفریط گذشتگان در مورد او ادامه یافته است. ما در این نوشتار، این موضوع را از دو نگاه اسلام و غیراسلام و در نهایت اختصار طرح می‌نماییم.

الف. در جوامع پیش از اسلام

الف. در جامعه‌های قبایلی

در ملت‌های باستانی، که روش اجتماعی مردمان قانونی یا دینی نبوده و تنها با آداب و رسوم قومی زندگی می‌کردند، زن انسان حساب نمی‌شد، بلکه با وی همچون یک حیوان اهلی رفتار می‌کردند و به عنوان عضوی از جامعه بشری محسوب نمی‌شد و حیات او صرفاً برای شهوت‌رانی مردان بود. حتی در مواقع لزوم بویژه در قحطی از گوشت وی تغذیه می‌کردند. زن در خانه پدر همین حال را داشت تا زمانی که شوهر می‌کرد ولی نه به اختیار و انتخاب خود، بلکه مطابق میل و دستور پدر، و آن نیز در حقیقت نوعی برده‌داری بود نه پیمان مقدسی به نام ازدواج.

صاحب‌خانه می‌توانست او را بفروشد یا ببخشد یا برای اهدافی چون خوشگذرانی، زادن، و یا خدمت به

زهره چراغی

تاریخ ولادت

برخی نیز مانند حاکم در مستدرک و ابن عبدالبر در استیعاب روایت کرده‌اند که ولادت فاطمه علیّه السلام در سالی اتفاق افتاد که پیامبر اکرم ﷺ ۴۱ سال داشت؛ یعنی یک سال پیش از بعثت به دنیا آمده است. (۲) علما و مورخان امامیه نیز مانند امین‌الاسلام طبرسی و کلینی و قتال نیشابوری و دیگران، ولادت حضرت زهرا علیّه السلام را در سال پنجم بعثت (۲۰ جمادی الثانی) در مکه نوشته‌اند. (۳)

علّامه مجلسی و بعضی علمای دیگر نوشته‌اند که روزی نبی اکرم با علی علیّه السلام و چند تن از اصحاب خود مانند عقیل و یاسر و عباس بن عبدالمطلب و دیگران در ابطح نشسته بودند، فرشته وحی نازل شد و بدان حضرت ابلاغ نمود که به دستور خداوند باید چهل روز از خدیجه دوری گزینی و به عبادت و تهجد مشغول باشی! البته، انجام این کار برای نبی اکرم ﷺ به علت علاقه شدیدی که به خدیجه داشت سخت و شاق بود اما مقصود این بود که آن حضرت شب‌ها را به عبادت

در تاریخ ولادت فاطمه علیّه السلام نیز مانند تاریخ ولادت برخی حضرات معصومان اختلاف است و به طور کلی، در کتاب‌های عاقله تاریخ ولادت آن بانوی معظمه را پنج سال پیش از بعثت رسول اکرم ﷺ بیان کرده‌اند. کتاب‌های امامیه به استناد روایت رسیده از اهل بیت علیهم السلام، ولادت آن حضرت را در سال پنجم بعثت در مکه معظمه می‌دانند. بنابراین، در حدود ده سال میان روایات فریقین اختلاف نظر وجود دارد. اکثر مورخان عاقله ولادت زهرا علیّه السلام را هم‌زمان با تعمیر ساختمان کعبه به دست قریش نوشته‌اند چون این عمل پنج سال پیش از بعثت بوده، لذا تاریخ ولادت را نیز در همان سال قید کرده‌اند. (۱)



همه ادوار تاریخ بشری، زن عضو مؤثری به شمار نمی‌رفت و واجد استقلال و آزادی نبود و همیشه یک موجود ضعیف شمرده می‌شد و خود نیز به مرور زمان خصایص انسانی خود را گم کرده نمی‌توانست هیچ‌گونه شخصیت اجتماعی برای خود تصور نماید. «زن» به معنی زبونی و خواری و پستی و بی‌خردی بود.

زن از منظر اسلام

آن‌گاه که خورشید اسلام در افق سیاه تاریخ بشریت سر زد، زن همان موقعیت اجتماعی اسفباری را داشت که دیگر جوامع داشتند و او را موجودی پست که برای خدمتگزاری انسان شریف (یعنی مرد)، آفریده شده است می‌دانستند.

اسلام با تمام قوا با این افکار تادرست مخالفت کرد. برای زن حقوقی مقرر فرمود که به برخی از آن‌ها در جای خود اشاره می‌شود.

نگرش اسلام به زن و تنظیم حقوق او و این‌که حیثیت وی جنبه «حق الله» دارد نه «حق الناس» و هتک حرمت او برای احدی روا نیست و همگان موظف به پاسداری از مقام زن هستند، در خلال احکام دینی به چشم می‌خورد. برای مثال در اسلام اگر کسی به حیثیت زنی تجاوز کرده و ناموس او را هتک کند، باید حد بر او جاری و هیچ چیز مانع اجرای حد زانی نمی‌شود، نه رضایت همسر، نه رضایت خود زن؛ زیرا او جنبه حق الله دارد و نظیر مال نیست که اگر به سرقت رفت و مال پاخته رضا داد حد ساقط شود.

اجمالاً حقوق زن در اسلام عبارت است از:

۱. زن یک انسان واقعی است و از یک جفت انسان نر و ماده آفریده شده و خصایص ذاتی انسان را دارد و در مفهوم انسانیت مرد را بر او امتیازی نیست.^(۸)
۲. زن مانند مرد، عضو کامل جامعه است و شخصیت حقوقی دارد.
۳. زن چنان‌که خویشاوندی طبیعی دارد



خویشاوندی رسمی نیز دارد.

۴. دختر فرزند است چنان‌که پسر فرزند است.
۵. زن استقلال فکری دارد و می‌تواند در زندگی خود هرگونه تصمیمی بگیرد و در حدود شرعی به میل و

انتخاب خود شوهر کند. مگر در یک مورد شرع مقدس برای حفظ و صیانت از ارزش او و به خاطر غلبه احساسات و عواطف در او و همین‌طور بی‌تجربگی او، در اولین ازدواج و دختر باکره اذن پدر را با شرایط خاص خود شرط دانسته است، که در مواردی این حق پدر نیز ساقط می‌شود.

۶. همچنین می‌تواند آزادانه بی آن‌که تحت ولایت و سرپرستی پدر یا شوهر باشد زندگی نماید و هر شغل مشروعی را که بخواهد انتخاب کند. زن استقلال عمل دارد و کار و کوشش او محترم است. می‌تواند مالک شود و ثروت خویش را بدون سرپرستی و دخالت مرد اداره نماید و از مال و حقوق فردی و اجتماعی خویش دفاع نماید و می‌تواند بر نفع یا ضرر دیگران شهادت دهد.
۷. مرد نسبت به زن حق هیچ‌گونه تحکم و تعدی ندارد و هر تعدی که در مورد مردان قابل تعقیب است درباره زن نیز قابل مجازات و تعقیب می‌باشد.
۸. زن شخصیت معنوی دینی دارد و از سعادت اخروی محروم نیست نه آن‌چنان‌که غالب ادیان و مذاهب زن را مانند یک شیطان، نومید از رحمت خداوندی می‌پندارند.^(۹)

پی‌نوشت‌ها

۱. علامه طباطبائی، اسلام و اجتماع / بحیثی نوری، حقوق زن در اسلام و جهان
۲. رک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب اول، آیات ۱ تا ۳۱ و باب ۲، آیات ۲ تا ۲۳
۳. رک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب سوم، آیات ۱ تا ۱۷
۴. قابل توجه است که کسانی که قبل از ازدواج و بچه‌دار شدن از دنیای روند و یا عقیقه هستند و یا فرزندی نمی‌خواهند با این نظر قطعاً روی سعادت را نخواهند دید؛ رک: رساله اول پولس به تیموتائوس، باب دوم، آیات ۱۴ و ۱۵
۵. رساله اول پولس به قرنتیان، باب ۲، آیه ۱۱
۶. همان، باب ۲، آیه ۱۳
۷. رک: زن در آینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، ص ۴۲
۸. سوره حجرات، آیه ۱۳
۹. آل عمران، آیه ۱۹۵

شنیدم و از جایم برخاستم و گفتم کیست که در خانه را می‌گوید غیر از محمد ﷺ روا نیست که کسی در این خانه را بگوید. در این موقع صدای رسول خدا را شنیدم که می‌فرمود: منم خدیجه در را باز کن فوراً در را باز کردم و آن حضرت وارد خانه شد. رسول گرامی ﷺ پس از ورود به خانه، برابر دستور که از فرشته وحی دریافت کرده بود با خدیجه هم‌بستر شد و نور فاطمه علیها السلام از صلب وی به رحم خدیجه منتقل گردید.^(۴) روشن است نطفه‌ای که پس از چهل روز عبادت و تصفیه و خوردن غذای بهشتی در چنین شرایطی حاصل شود، چقدر پاک و پاکیزه خواهد بود.

در امالی صدوق است که پیامبر اکرم فرمود: چون مرا به معراج بردند، جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود و از خرمای آن به من داد و خوردم و آن خوراک بهشتی در صلب من به نطفه‌ای تبدیل شد و چون به زمین برگشتم با خدیجه مواجهه نمودم و او به فاطمه

پرداخته و روزها را روزه بگیرد و از غذاهای بهشتی افطار نماید تا طفلی که بعداً به دنیا خواهد آمد نطفه‌اش از غذای بهشتی، که پاک و طیب است، تکون یابد. از این رو، رسول خدا ﷺ به وسیله عمار به خدیجه پیام فرستاد که گمان نکنی کناره‌گیری من از تو به علت رنجش و کدورت خاطر است، بلکه فرمان الهی است که چهل روز از تو دوری گیرم و در این کار جز خیر و نیکی چیزی نیست و خدای متعال به وجود تو به فرشتگان مباحثات می‌کند. بنابراین، شب‌ها درب خانه را ببند و بخواب. و من هم این مدت را در خانه فاطمه بنت اسد (مادر علی علیهما السلام) و به روایتی در کوه حراء خواهم ماند. خدیجه برابر دستور نبی گرامی رفتار نمود و مدت چهل شبانه روز از تنهایی و عزلت شوهر عزیزش اندوهناک بود و پیامبر اکرم نیز روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت و تهجد مشغول بود تا پس از چهل شبانه روز فرشته وحی نازل گردید و برای آن حضرت از غذاهای بهشتی آورد. رسول اکرم از غذاهای بهشتی افطار نمود و چون برای نماز و عبادت برخاست جبرئیل عرض کرد: امشب از نمازهای مستحبی گذر و به نزد خدیجه برو که خداوند اراده فرموده است امشب از صلب تو فرزندی پاک و پاکیزه به وجود آورد. رسول اکرم ﷺ جهت امتثال امر پروردگار به سوی منزل خدیجه راه افتاد.

خدیجه گوید: من شب‌ها درب خانه را بسته و تنها می‌خوابیدم و در آن شب صدای درب خانه را

هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست



سرانجام قارون و دنیاخواهی

الف. نصایح قوم قارون به قارون

۱. مغرورانه شادمانی نکن که انسان مسرور به ثروت محبوب خدا نیست؛
۲. مال دنیا چیز خوبی است، مشروط بر این که وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد نه هدف؛
۳. بهره انسان از این جهان بسیار محدود است؛
۴. این ثروت را که خدا در اختیار تو نهاده، باید سپاس آن را که خدمت به مردم است به جای آوری؛
۵. فساد و فتنه از گناهان بزرگ است؛ مبدا ثروت را وسیله فساد در زمین قرار دهی؛

ب. پاسخ‌های قارون

۱. این ثروت من به کسی ربطی ندارد. من آن را با فکر و اندیشه خود به دست آورده‌ام؛
۲. روزی ثروت و قدرت مالی خود را همراه ما کارکنان و کارگران که به خدمت گرفته شده، به نمایش گذارد؛ آن‌گاه خداوند متعال به زمین فرمان داد که او و خانه‌اش را بیلعد و چنین شد و هرچه از فریاد زد کسی که داد او نرسید. (آیات ۷۶-۸۱ سوره بقره)

شرایط تجارت در قرآن (۲)

۱. معاملات بازرگانی باید با رضایت صورت گیرد. (نساء: ۲۹)
۲. معامله نقدی نیازی به سند ندارد. (بقره: ۲۸۲)
۳. هنگام نماز جمعه دست از تجارت بردارید. (جمعه: ۱۱)
۴. تجارت، مردان خدا را از یاد خدا باز نمی‌دارد. (نور: ۳۸)
۵. تجارت معنوی (جهاد در راه خدا) مایه رهایی از آتش است. (صف: ۱۱ و ۱۰)
۶. تجارت فناپذیر در پرتو تلاوت قرآن و اقامه نماز و انفاق است. (فاطر: ۲۹)

تقلید مذموم و ممدوح

از نظر عقلی تقلید چهارگونه است: تقلید جاهل از جاهل؛ تقلید عالم از عالم؛ تقلید عالم از جاهل؛ تقلید جاهل از عالم.

عاقبت چشم طمع به امکانات دیگران

پیامبرگرامی اسلام می‌فرمایند: کسی که چشم خود را به آنچه در دست دیگران است بدوزد، همیشه اندوهگین و غمناک خواهد بود و هرگز آتش خشم او فرو نمی‌نشیند. (۱)

اُم ابیها می‌خواند. (۸)

پی‌نوشت‌ها

۱. کامل التواریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۴۱ / تذکره ابن جوزی، ص ۳۶۰ / ذخائر العقبی، ص ۵۳ / نورالابصار شبلنجی، ص ۵۱ / نجات النبی دکتر بنت شاطی، ص ۱۱۷ / اعلام النساء، ج ۳، ص ۱۱۹۹ و کتب دیگر
۲. فاطمه زهرا تألیف استاد توفیق ابوعلم، ترجمه علی اکبر صادقی، ص ۶۵
۳. اعلام الوری، ص ۹۰، اصول کافی باب مولد الزهراء فاطمه علیها السلام، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۲۳، دلائل الامامة، ص ۱۰
۴. انوار البهیة، ص ۱۷، وفات الصدیقة الزهراء، تألیف عبدالرزاق مقدم، ص ۱۰
۵. امالی صدوق مجلسی، حدیث ۷، اعلام الوری، عیون الاخبار الرضا، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۷
۶. عیون اخبار الرضا، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۹
۷. منتهی الامال، ج ۱، ص ۹۶
۸. فاطمه الزهرا توفیق ابوعلم، ترجمه صادقی، ص ۶۱

آبستن گردید. بنابراین، فاطمه حورا انسیه است که من هر وقت مشتاق بوی بهشت شوم دخترم فاطمه را می‌بویم. (۵)

در احادیث متواتره از طریق خاصه و عاتقه روایت شده است که آن حضرت را بدین جهت فاطمه نامیده‌اند که حق تعالی او و شیعیانش را از آتش دوزخ بریده است، چنان‌که حضرت رضا علیه السلام از آبابی گرامیش روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: من دخترم را فاطمه نام نهادم، زیرا که خداوند عز و جل او و دوستدارانش را از آتش بازداشته است. (۶)

همچنین روایت شده است که از رسول خدا پرسیدند به چه سبب فاطمه را بتول می‌نامی؟ فرمود: برای آن‌که او از خون و عادت زنانگی همیشه طاهر و پاک است. (۷)

دانشمند مصری استاد فاضل حسینی می‌نویسد: طبیعی است که فاطمه نه از لحاظ ولادت بلکه از نظر رسالت، مادر رسول خدا به حساب می‌آید و شاید این خطاب از آن جهت بود که پیامبر می‌دانست تقدیر الهی ذریه او را تنها از دامن پاک زهرا به جهان خواهد آورد. فاطمه در حقیقت به منزله موجی بود که باید نور رسول خدا را در طول رشته‌های ممتد اعصار و قرون عبور دهد و بشریت را از آن نور فیاض و نورانی کند و به همین سبب، بود که او را بی‌نهایت دوست می‌داشت و چنان‌که می‌دانیم گاهی او را با نام

